





دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان

موضوع

بررسی فقهی و حقوقی رژیم مالی اشتراک اموال زوجین

استاد راهنما: دکتر محمد روشن

استاد مشاور: دکتر اعظم مهدوی پور

دانشجو:

سمیه خلیل نیا

بهمن ۱۳۹۲

تقدیم به:

دردمندان عرصه‌ی آگاهی



سپاسگزاری

سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌مان ساخت.

قدردان محبت و ایثار پدر و مادرم هستم که ناتوان شدند تا من به توانایی برسم و عاشقانه سوختند تا روشنگر راهم شوند.

از اساتید گرامی جناب آقای دکتر محمد روشن، جناب آقای دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی و سرکار خانم دکتر اعظم مهدوی پور بسیار سپاسگزارم، چرا که بدون راهنمایی‌های ایشان تأمین این پایان‌نامه بسیار مشکل می‌نمود.

از جناب آقای رنجبر، سرکار خانم قیاسی، جناب آقای شهبازی، خانم دکتر قربانی، خانم بورزو، خانم شیخ یوسفی و تمام دوستان و عزیزانی که در این مسیر سخت همراه و قوت قلبم بودند صمیمانه و خاضعانه تشکر می‌نمایم.

چکیده

رژیم مالی حاکم بر روابط زوجین در ایران، اصل استقلال دارایی زوجین است. به این معنی که دارایی زوجین در طی نکاح و در زمان انحلال مستقل و جدا از هم است. هر چند اصل استقلال دارایی زوجین یکی از اصول مترقی است که زنان در کشورهای مختلف بعد از مبارزات طولانی آن را به دست آورده‌اند، اما در شرایط کنونی جامعه این امر مشکلاتی را برای زوجه ایجاد می‌کند.

با توجه به این که در جامعه ایرانی غالب زنان به امور خانه و تربیت فرزندان می‌پردازند و در بسیاری از موارد این کار را تبرعی انجام می‌دهند این امکان برای مرد فراهم می‌آید که فارغ از امور منزل و فرزندان به کسب درآمد بپردازد و در طی سال‌های زوجیت اموالی را برای خود به دست آورد درحالی که زن از چنین فرصت رشدی محروم است.

از طرفی حقوق مالی که قانون‌گذار برای زوجه پیش‌بینی کرده نیز قادر به رفع این نابرابری نیست و در غالب موارد زنان به دلایل مختلفی از حقوق مالی خود محروم می‌شوند، برای مثال در هنگام طلاق توافقی، زن ناچار می‌شود مهریه را به مرد ببخشد و یا این که زن به دلیل ناتوانی در اثبات تبرعی نبودن انجام امور منزل از دریافت اجرت‌المثل کارهایی که در منزل شوهر انجام داده است، محروم می‌شود و یا در موارد دریافت اجرت‌المثل، مبلغ ناچیزی دریافت می‌کند که عملاً هیچ حمایت مالی نمی‌تواند از زن بنماید. از سوی دیگر سیستم مهریه نیز نمی‌تواند از زن مطلقه حمایت مالی چندانی کند به طوری که اکثراً به دلیل استنکاف شوهر از پرداخت مهریه، آن قسط‌بندی شده و ماهانه مبلغ ناچیزی به زن تعلق می‌گیرد.

با توجه به این که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و قانون‌گذار موظف است از تمام افراد جامعه حمایت نماید. لازم است تدبیری کارآمد برای حمایت از زنان مطلقه اندیشیده شود. لذا در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از منابع فقهی و پویایی آن و نظر به مصلحت موجود در جامعه برای حمایت از زنان مطلقه و با استناد به اصل عدالت، قاعده احترام کار مسلمان، قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، دلیل عقلی و در نهایت ادله‌ی حاکمیتی، رژیم مالی اشتراک اموال زوجین ترسیم و به قانون‌گذار پیشنهاد گردد.

واژگان کلیدی: رژیم مالی زوجین، حقوق مالی زوجین، اشتراک اموال زوج.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
الف) بیان مسئله.....	۱
ب) اهمیت و ضرورت موضوع.....	۳
ج) پیشینه تحقیق.....	۵
د) سؤالات تحقیق.....	۷
ه) فرضیات تحقیق.....	۸
و) روش تحقیق.....	۸
ز) محدودیت‌های تحقیق.....	۸
ح) مبانی نظری.....	۸
۱- مبانی حقوق از نگاه مکتب حقوقی اسلام.....	۹
۱-۱- اراده‌ی تشریحی خداوند مبنای حقوق اسلامی.....	۹
۱-۲- فطرت، مبنای حقوق اسلامی.....	۱۰
۱-۳- مصلحت مبنای حقوق اسلامی.....	۱۱
۲- مبانی حقوق در غرب.....	۱۲
۲-۱- مکتب اصالت نفع.....	۱۳
۲-۲- مکتب پراگماتیسم یا نظریه مصلحت‌گرایی.....	۱۴
۲-۳- نظریه منافع.....	۱۴
۲-۴- نظریه نفع عمومی.....	۱۵
۲-۵- نظریه بازرسی اجتماعی.....	۱۵
۲-۵-۱- مصالح فردی:.....	۱۶

۱۶	۲-۵-۲- مصالح عمومی:
۱۶	۲-۵-۳- مصالح اجتماعی:
۱۷	ط) تعاریف
۱۷	۱- تسلیط
۱۷	۲- رژیم مالی زوجین
۱۸	۳- نکاح
۱۸	۴- طلاق
۱۹	۵- حقوق
۱۹	۶- شرط ضمن عقد
۲۰	ی) ساماندهی تحقیق
۲۲	فصل اول: بررسی رژیم‌های مالی
۲۲	مبحث اول: بررسی فقهی استقلال مالی زوجین در اسلام
۲۳	گفتار اول: مبانی فقهی رژیم مالی استقلال اموال
۲۳	بند اول: اصل عدم ولایت
۲۳	بند دوم: قاعده تسلیط
۲۴	بند سوم: آیات قرآن
۲۵	الف) شأن نزول
۲۵	ب) مفاد آیه
۲۶	گفتار دوم: جلوه‌های حقوقی رژیم مالی استقلال اموال
۲۶	بند اول: اهلیت
۲۷	الف) اهلیت تمتع
۲۹	ب) اهلیت استیفاء
۳۱	بند دوم: استقلال مالی در حقوق موضوعه ایران
۳۲	مبحث دوم: بررسی رژیم‌های مالی در غرب
۳۲	گفتار اول: مبانی رژیم‌های مالی زوجین در غرب
۳۵	گفتار دوم: جلوه‌های حقوقی رژیم‌های مالی در غرب
۳۵	بند اول: رژیم ولایت مرد بر دارایی زن
۳۶	بند دوم: رژیم جدایی اموال زوجین

- بند سوم: رژیم اشتراک اموال زوجین ۳۶.
- الف) اشتراک کامل و فوری دارایی (هلند)..... ۳۷.
- ب) اشتراک فوری (فرانسه) ۳۷.
- ج) اشتراک معوق یا با تأخیر (سوئد) ۳۷.
- بند چهارم: بررسی رژیم مالی زوجین در فرانسه ۳۷.
- الف) اصل آزادی اراده ۳۸.
- ب) اصل تغییرناپذیر بودن رژیم مالی ۳۸.
- بند پنجم: رژیم‌های مالی مختلف در حقوق فرانسه ۳۹.
- الف) رژیم‌های اشتراک اموال ۳۹.
- ۱- رژیم‌های اشتراک قراردادی ۴۰.
- ۱-۱- اشتراک کامل ۴۰.
- ۱-۲- اشتراک اموال منقول ۴۰.
- ۲- رژیم قانونی اشتراک دارایی ۴۱.
- ۲-۱- سیر اصلاح قانون‌گذاری رژیم مالی ۴۱.
- ب) رژیم‌های افتراقی ۴۲.
- ۱- رژیم جدایی اموال ۴۲.
- ۲- رژیم مشارکت در دارایی‌ها ۴۳.
- مبحث سوم: بررسی تطبیقی رژیم‌های مالی زوجین در اسلام و غرب ۴۴.
- گفتار اول: رژیم مالی زوجین در اسلام ۴۴.
- بند اول: مزایا ۴۴.
- الف) استقلال زوجین در اداره اموال ۴۴.
- ب) ارزش‌گذاری به زن و رفع حجر از او ۴۵.
- بند دوم: معایب ۴۵.
- الف) تحمیل رژیم مالی بر زوجین ۴۵.
- ب) تعارض با عرف جامعه ۴۵.
- ج) محدودیت زنان در دسترسی به منابع مالی ۴۵.
- گفتار دوم: رژیم‌های مالی زوجین در غرب ۴۶.
- بند اول: مزایا ۴۶.

۴۶	الف) آزادی زوجین در انتخاب رژیم مالی
۴۶	ب) تنوع رژیم‌های مالی
۴۶	ج) امکان تغییر رژیم انتخابی
۴۷	د) امکان ترکیب رژیم‌های مالی
۴۷	بند دوم: معایب
۴۷	الف) تغییرناپذیر بودن رژیم مالی
۴۷	ب) قواعد امری ناظر بر رژیم‌های مالی اشتراک اموال
۴۷	ج) سلطه زوج بر اموال اشتراکی
۴۷	نتیجه‌گیری فصل اول
۵۰	فصل دوم: شیوه‌های حمایت مالی قانون‌گذار از زن
۵۱	مبحث اول: شیوه‌های حمایت مالی قانون‌گذار از زن در دوران زوجیت
۵۲	گفتار اول: نفقه
۵۲	بند اول: علت پرداخت نفقه
۵۳	بند دوم: شرایط وجوب نفقه
۵۴	بند سوم: محدودیت‌های اشتغال زنان پس از ازدواج
۵۸	گفتار دوم: مهریه
۵۹	بند اول: انواع مهر
۵۹	الف) مهر المسمی
۵۹	ب) مهر المثل
۵۹	ج) مهر المتعه
۵۹	بند دوم: مقدار مهر
۶۰	الف) مقدار مهر در فقه
۶۱	ب) مقدار مهر در حقوق موضوعه
۶۱	۱- مقدار مهر در حقوق ایران
۶۱	۲- مقدار مهر در حقوق کشورهای اسلامی
۶۱	بند سوم: تحولات قانونی مهریه
۶۴	بند چهارم: انتقادات وارده بر قوانین مربوط به مهریه
۶۴	الف) بخشنامه عندالاستطاعه یا عندالمطالبه بودن مهریه

- ۶۶..... (ب) اثبات عدم توانایی بالفعل زوج بر پرداخت مهریه
- ۶۷..... (ج) انتقادات وارده به تعیین سقف مجازات مهریه تا ۱۱۰ سکه
- ۶۸..... بند پنجم: علل وضع مهریه‌های سنگین
- ۶۸..... (الف) مهریه پشتوانه مالی زن
- ۶۸..... (ب) مهریه ابزاری برای تأدیب مرد
- ۶۹..... (ج) مهریه‌ی سنگین حاصل حق مطلق مردان در طلاق
- ۶۹..... (د) مهریه‌ی سنگین عاملی برای آرامش خانواده دختر
- ۶۹..... بند ششم: راهکارهایی برای جلوگیری از وضع مهریه سنگین
- ۷۱..... مبحث دوم: شیوه‌های حمایت مالی قانون‌گذار از زن مطلقه
- ۷۲..... گفتار اول: نفقه و حمایت مالی از زن پس از طلاق
- ۷۲..... بند اول: ماهیت حق زوجه بر نفقه
- ۷۳..... بند دوم: نفقه مطلقه حامله
- ۷۴..... بند سوم: نفقه مطلقه رجعیه
- ۷۵..... گفتار دوم: شرط تنصیف دارایی
- ۷۶..... بند اول: ماهیت فقهی و حقوقی شرط تنصیف دارایی
- ۷۶..... بند دوم: صحت شرط تنصیف
- ۷۸..... بند سوم: انتقادات وارده بر شرط تنصیف دارایی
- ۷۹..... (الف) مجهول بودن میزان دارایی قابل انتقال به زوجه
- ۸۰..... (ب) عدم طلاق به درخواست زوجه
- ۸۰..... (ج) عدم سوء رفتار زوجه
- ۸۱..... (د) مخفی یا منتقل نمودن اموال به دیگری
- ۸۲..... (هـ) عدم وجود برخورد جدی با زوج در صورت مخفی نمودن اموالش
- ۸۳..... (و) مختل شدن اراده
- ۸۳..... (ز) تقدم دارایی دیون زوج بر شرط تنصیف دارایی
- ۸۴..... (ح) تراحم شرط تنصیف دارایی زوج با مستثنیات دین
- ۸۵..... (ط) کیفیت تملک نصف دارایی توسط زوجه
- ۸۵..... (ی) ادعای اعسار زوج در خصوص شرط تنصیف دارایی
- ۸۶..... (ک) آمره بودن شرط تنصیف دارایی

۸۶.....	گفتار سوم: اجرت المثل
۸۸.....	بند اول: مبانی فقهی و حقوقی اجرت المثل
۸۸.....	الف) قاعده‌ی «احترام مال و عمل مسلمان»
۹۰.....	بند دوم: انتقادات وارده بر بند الف تبصره ۶ (اجرت المثل)
۹۰.....	الف) عدم درخواست طلاق از سوی زوجه
۹۱.....	ب) سوءاستفاده زوج
۹۲.....	ج) تعارض اصل عدم تبرع با اثبات قصد زوجه بر دادگاه
۹۳.....	د) ابهام در قید وجود شرط مالی
۹۳.....	ه) قابل جمع نبودن شرط انتقال تا نصف دارایی و اجرت المثل
۹۶.....	گفتار چهارم: نحله
۹۷.....	بند اول: منابع شرعی و مبانی حقوقی نحله
۹۸.....	بند دوم: انتقادات وارده بر تبصره
۹۸.....	الف) طلاق به درخواست زوج
۹۸.....	ب) عدم تعلق نحله در صورت اجرای اجرت المثل
۹۹.....	ج) اعسار زوج
۹۹.....	نتیجه‌گیری فصل دوم
۱۰۲.....	فصل سوم: بررسی مبانی فقهی اشتراک اموال زوجین
۱۰۳.....	مبحث اول: امکان کشف ملاکات و مناطات احکام
۱۰۳.....	گفتار اول: تقسیمات احکام
۱۰۳.....	بند اول: احکام تأسیسی و احکام امضایی
۱۰۳.....	الف) احکام تأسیسی
۱۰۴.....	ب) احکام امضایی
۱۰۴.....	۱- احکام معاملی و اقتصادی
۱۰۴.....	۲- احکام قضایی
۱۰۵.....	۳- احکام خانواده و حقوق خصوصی
۱۰۵.....	۴- احکام جزائی
۱۰۶.....	بند دوم: احکام ارشادی و احکام مولوی
۱۰۶.....	الف) احکام ارشادی

- ب) احکام مولوی ۱۰۶
- بند سوم: احکام عبادی و معاملی ۱۰۶
- الف) عبادات ۱۰۷
- ب) معاملات ۱۰۷
- گفتار دوم: مصالح و مفسد احکام ۱۰۷
- بند اول: طرق کشف مصالح و مفسد احکام ۱۰۸
- الف) فهم عرفی ۱۰۸
- ب) روایات ۱۰۸
- ج) عقل ۱۰۸
- بند دوم: انواع مصلحت ۱۰۹
- الف) مصالح از جهت شدت و ضعف و اهمیت آن ۱۰۹
- ۱- ضروریات ۱۰۹
- ۲- نیازهای عمومی (حاجات) ۱۰۹
- ۳- نیازهای ثانوی (تحسینیات) ۱۰۹
- ب) مصالح از جهت ارتباط آن با مفسده ۱۱۰
- ۱- موضوع دارای مصلحت و فاقد مفسده ۱۱۰
- ۲- موضوع دارای مصلحت و مفسده ولی با غلبه جانبه مصلحت ۱۱۰
- ۳- موضوع دارای مصلحت و مفسده یکسان ۱۱۰
- ۴- موضوع دارای مصلحت و مفسده و با غلبه مفسده ۱۱۰
- ۵- موضوع دارای مفسده و فاقد مصلحت ۱۱۱
- ج) مصالح از جهت سرای تحقق پذیرفتن آن ۱۱۱
- د) مصالح عام (نوعیه) و خاص (شخصیه) ۱۱۱
- هـ) مصلحت از جهت حیطة و قلمرو ۱۱۱
- ۱- مصلحت در حیطة تشریح حکم ۱۱۱
- ۲- مصلحت در حیطة استنباط ۱۱۱
- ۳- مصلحت در حیطة امتثال ۱۱۲
- و) مصلحت از دیدگاه شارع ۱۱۲
- ۱- مصالح معتبر ۱۱۲

- ۲- مصالح ملغی شده ۱۱۲
- ۳- مصالح مرسله ۱۱۲
- (ز) مصلحت از جهت ثابت و متغیر بودن ۱۱۳
- (ح) مصالح از جهت تشریحی و اجرایی بودن ۱۱۳
- مبحث دوم: اصول و قواعد فقهی ۱۱۳
- گفتار اول: اصل عدالت ۱۱۴
- بند اول: اهمیت و ضرورت عدالت ۱۱۴
- (الف) آیات ۱۱۴
- (ب) روایات ۱۱۵
- گفتار دوم: قاعده احترام مال و عمل مسلمان ۱۱۶
- بند اول: مستندات قاعده ۱۱۶
- (الف) بنای عقلا ۱۱۶
- (ب) روایات ۱۱۶
- بند دوم: کاربرد قاعده احترام در فقه ۱۱۸
- (الف) ضمان منافع اعیان ۱۱۸
- (ب) ضمان کار انسان ۱۱۹
- بند سوم: اصل عدم تبرع ۱۱۹
- گفتار سوم: قاعده ملازمه ۱۲۰
- بند اول: مستندات قاعده ۱۲۱
- (الف) نشأت احکام عقلی و شرعی از حسن و قبح ۱۲۱
- (ب) اجماع ۱۲۱
- مبحث سوم: عقل ۱۲۲
- گفتار اول: دلیل عقلی ۱۲۴
- بند اول: اقسام دلیل عقلی ۱۲۴
- بند دوم: دلیل عقلی و امکان خطای عقل ۱۲۶
- بند سوم: اولویت و اقوا بودن حجیت دلیل عقلی، نسبت به کتاب و سنت ۱۲۷
- بند چهارم: تعارض دلیل نقلی با دلیل عقلی و تقدم عقل بر نقل ۱۲۸
- گفتار دوم: حسن و قبح عقلی ۱۲۹

۱۲۹.....	بند اول: انواع حسن و قبح.....
۱۲۹.....	الف) حسن و قبح اعتباری.....
۱۳۰.....	ب) حسن و قبح ذاتی (عقلی).....
۱۳۰.....	بند دوم: اثبات حسن و قبح عقلی.....
۱۳۲.....	مبحث چهارم: ادله حاکمیتی.....
۱۳۲.....	گفتار اول: احکام حکومتی.....
۱۳۲.....	بند اول: ویژگی‌های احکام حکومتی.....
۱۳۲.....	الف) ارادی بودن.....
۱۳۳.....	ب) استنباطی بودن.....
۱۳۳.....	ج) متغیر بودن.....
۱۳۳.....	د) سطوح‌مند بودن.....
۱۳۳.....	بند دوم: تفاوت احکام حکومتی با احکام اولیه.....
۱۳۴.....	بند سوم: حجیت احکام حکومتی.....
۱۳۴.....	الف) دسته اول.....
۱۳۴.....	ب) دسته دوم.....
۱۳۵.....	بند چهارم: مبنای احکام حکومتی.....
۱۳۵.....	الف) ادله‌ی لزوم رعایت مصلحت در احکام حکومتی.....
۱۳۵.....	۱- لزوم پاسخگویی اسلام به نیازهای ثابت و متغیر.....
۱۳۶.....	۲- بنای عقلا.....
۱۳۶.....	۳- سیره معصومین.....
۱۳۶.....	۴- آیات و روایات.....
۱۳۶.....	گفتار دوم: شیوه دستیابی به حکم حکومتی.....
۱۳۷.....	بند اول: توسعه در احکام فقهی.....
۱۳۷.....	بند دوم: توسعه در منابع فقهی.....
۱۳۸.....	الف) عقل.....
۱۳۸.....	ب) سیره و ارتکاز.....
۱۳۹.....	ج) مقاصد شریعت.....
۱۳۹.....	بند سوم: توسعه در روش اجتهاد.....

۱۴۰	الف) حجیت ظن
۱۴۰	ب) قبض و بسط شریعت
۱۴۱	ج) نظریه ابتناء
۱۴۱	مبحث پنجم: قاعده تناسب حکم و موضوع
۱۴۲	گفتار اول: حجیت قاعده تناسب حکم و موضوع
۱۴۲	گفتار دوم: تغییر ویژگی‌های درونی و بیرونی موضوع
۱۴۲	بند اول: ویژگی‌های موضوع استقلال اموال
۱۴۳	الف) تغییر شرایط زوجین در خانواده
۱۴۴	ب) تغییر شرایط خانواده در جامعه
۱۴۴	۱- تغییر نظام قبیله‌ای
۱۴۵	۲- تغییر شکل خانواده
۱۴۵	۱-۲- خانواده گسترده
۱۴۶	۲-۲- خانواده هسته‌ای
۱۴۷	۱-۲-۲- محدودیت ابعاد خانواده از نظر اسلاف
۱۴۷	۲-۲-۲- محدودیت خانواده از نظر تعداد فرزندان
۱۴۷	۳-۲-۲- افقی بودن هرم قدرت
۱۴۷	۴-۲-۲- نو مکانی
۱۴۷	۵-۲-۲- تغییر کارکرد خانواده
۱۴۷	۶-۲-۲- عدم گسترش خانواده هسته‌ای
۱۴۸	نتیجه‌گیری فصل سوم
۱۵۰	نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۱۵۴	فهرست منابع
۱۶۶	پیوست‌ها

مقدمه

الف) بیان مسئله

رژیم مالی حاکم بر روابط زوجین در ایران، اصل استقلال دارایی زوجین است. به این معنی که دارایی زوجین در طی نکاح و در زمان انحلال مستقل و جدا از هم است و زوجه به جز حقوق قانونی و شرعی خود (نفقه، مهریه) حقی بر دارایی شوهر نخواهد داشت.

هر چند اصل استقلال دارایی زوجین یکی از اصول مترقی است که زنان در کشورهای مختلف بعد از مبارزات طولانی آن را به دست آورده‌اند، اما در عمل این امر مشکلاتی را برای زوجه ایجاد می‌کند. با توجه به این که در جامعه ایرانی غالب زنان به امور خانه و تربیت فرزندان می‌پردازند و در بسیاری از موارد این کار را تبرعی انجام می‌دهند این امکان برای مرد فراهم می‌آید که فارغ از امور منزل و فرزندان به کسب درآمد بپردازد و در طی سال‌های زوجیت اموالی را برای خود به دست آورد درحالی‌که زن از چنین فرصت رشدی محروم است.

از طرفی حقوق مالی که قانون‌گذار برای زوجه پیش‌بینی کرده نیز قادر به رفع این نابرابری نیست و علی‌رغم این که قانون‌گذار تکالیف مالی را به نفع زن بر عهده مرد گذاشته است، اما در غالب موارد زنان به دلایل مختلفی از این حقوق مالی محروم می‌شوند، برای مثال در هنگام طلاق توافقی، زن ناچار می‌شود مهریه را به مرد ببخشد و یا این که زن به دلیل ناتوانی در اثبات تبرعی نبودن انجام امور منزل از دریافت اجرت‌المثل کارهایی که در منزل شوهر انجام داده است، محروم می‌شود و یا در موارد دریافت اجرت‌المثل، مبلغ ناچیزی دریافت می‌کند که عملاً هیچ حمایت مالی نمی‌تواند از زن بنماید.

از سوی دیگر سیستم مهریه نیز نمی‌تواند از زن مطلقه حمایت مالی چندانی کند به طوری که اکثراً به دلیل استنکاف شوهر از پرداخت مهریه، آن قسط‌بندی شده و ماهانه مبلغ ناچیزی به زن تعلق می‌گیرد. در بسیاری از موارد مرد پرداخت اقساط مهریه را به تأخیر می‌اندازد و زن باید دوباره به دادگاه درخواست رسیدگی بدهد که این امر علاوه بر دردهای زیاد و هزینه اضافی، نمی‌تواند حمایت مالی چندانی از زن مطلقه بنماید.

با نگاهی اجمالی به شرایط اجتماعی می‌بینیم که شرایط اشتغال برای زنان نسبت به مردان بسیار کمتر است و همچنین میزان دستمزد زنان نسبت به مردان کمتر است. به طوری که یک زن در مقایسه با یک مرد برای کاری یکسان با زمان مشخص به طور معمول دستمزد کمتری دریافت می‌کند.

همچنین شانس ارتقای زنان به پست‌های عالی و مدیریتی در ایران، به دلایل خاص اجتماعی و فرهنگی و حتی قانونی و مذهبی و... کمتر است.

با توجه به افزایش طلاق در سال‌های اخیر، با حجم زیادی از زنان مطلقه روبرو می‌شویم که برای زندگی در میان یک جامعه مردسالار با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند، این زنان اگر بخواهند با خانواده خود زندگی کنند از سوی آن‌ها مورد آزارهای روحی قرار می‌گیرند، رفت و

آمدهای آن‌ها کنترل می‌شود و خانواده‌ها برای حفظ آبروی خود سعی می‌کنند از معاشرت‌های آن‌ها به دلیل حساسیت‌های جامعه جلوگیری کند.

اگر بخواهند به طور مستقل زندگی کنند پیدا کردن یک محل مسکونی و صاحب‌خانه‌ای که مایل به ارائه یک خانه به یک زن مطلقه باشد کاری بس دشوار است و حتی اگر چنین خانه‌ای را هم بیابند باز هم باید با همسایگانی برخورد کنند که او را تنها به چشم عمل نابودکننده زندگی خود می‌بینند.

در نتیجه زنان مطلقه بدون هیچ حمایت مالی و معنوی در جامعه رها می‌شوند و برای حفظ بقا و ادامه زندگی خود ناگزیرند تن به هر کاری بدهند. از جمله اینکه وارد زندگی موقت و پنهانی شوند که نه آینده روشنی دارد و نه حتی می‌تواند به طور کامل موجبات آرامش و امنیت این زنان را فراهم کند. این مسایل در مجموع سلامت جامعه و بنیان خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد.

فی‌الواقع برای حمایت از زنان طلاق گرفته نیاز به فرهنگ‌سازی و لایه‌برداری از تفکرات کهنه و خرافه‌پرستی (که این روزها بدبینی هم چاشنی آن شده است) بسیار احساس می‌شود همچنان قانون‌گذار باید با تصویب قوانینی که امنیت مالی زنان مطلقه را فراهم کند، زمینه‌ای برای دوباره زیستن زنان مطلقه که متحمل فشارهای روحی و روانی فراوانی به سبب یک زندگی ناموفق شده‌اند، فراهم کند.

لذا عدالت اقتضا می‌کند که راهکارهایی برای سهیم شدن زوجین در اموال مکتسبه در دوران زوجیت به هنگام طلاق، پیش‌بینی شود. شیوه کنونی در این زمینه در نظام حقوقی ایران شرط ضمن عقد نکاح است. به این صورت که در قالب شرط ضمن عقد، زن در دارایی شوهر سهیم می‌شود.

آن چه مسلم است شرط منظور دارای انتقادات فراوانی است. از جمله نقدهای وارده بر شرط تنصیف تا نصف دارایی زوج، این است که: فقط در صورتی شرط اجرا می‌شود که طلاق به درخواست زوجه نباشد، زوجه ناشزه نباشد و نیز در حقیقت تنصیف صورت نمی‌گیرد بلکه تا نصف دارایی شوهر به زوجه تعلق می‌گیرد و تشخیص اینکه چه مقدار از دارایی شوهر به زن تعلق گیرد بر عهده قاضی است و تا ۵۰ درصد متغیر است. و اکثراً تنصیف واقعی انجام نمی‌شود و تنها درصدی از اموال شوهر به زوجه تعلق می‌گیرد.

با توجه به شرایط اجتماعی کنونی و مصالح موجود و نیز نظر به ناکارآمدی قوانین موجود به منظور حمایت مالی از زن مطلقه، ضرورت ایجاد و پیشنهاد رژیم مالی اشتراک اموال به صورت مدلی که مطابق با فرهنگ، عرف و فقه ما باشد، احساس می‌شود.

از سوی دیگر تکامل و تطور حیات اجتماعی موجب می‌گردد که همواره موضوعات جدیدی مطرح گردند که جهت پاسخگویی به آن‌ها مطلبی در نصوص دینی یافت نمی‌شود. بنابراین، در مسیر استنباط احکام شرعی، ادله‌ی نقلیه کافی نبوده و سخت نیازمند به دلایل عقلی در

دستیابی به احکام جدید هستیم. در نتیجه هرگاه از کتاب و سنت به اضافه اطلاعات و عموماً آنها، حکمی به دست نیامد، نوبت دلایل عقلی و عرف عقلائی است که جواب مسئله ما را بدهند.^۱

ما اکنون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که برای هر نهادی از نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به قوانین و احکام جدید نیازمندیم و از آن جا که این نهادها در عصر شارع وجود نداشته‌اند و یا اگر موجود بوده‌اند در وضعیت ساده و اولیه قرار داشتند، در این مباحث صدها موضوع جدید مطرح است که نمی‌توان برای آنها، نص خاصی پیدا کرد و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، حاصل ناکامی فقه سنتی در حل معضلات جامعه متحول کنونی و جهت‌رهایی از بن‌بست‌های قانونی و حقوقی بود.

با عنایت به آن چه گذشت، عقل می‌تواند در موارد فراوانی، بر اساس مصالح و مفاسد احکامی مناسب را صادر نماید که با توجه به اصل جاودانگی اسلام و مقتضیات زمان و مکان و تأثیر حتمی آن در تغییر احکام، انکار نقش عقل مساوی با رکود و جمود در اندیشه و فقه اسلامی و ناکارآمدی حکومت دینی است.

واضح است که قانون راکد و غیرقابل انعطاف، عمر درازی نمی‌تواند داشته باشد، و با پویایی جامعه، باید بتواند خود را پویا نگه دارد تا بر مشکلات جامعه فائق آید و این مسئله پیچیده و غامضی نیست که در مورد آن اختلافی صورت گیرد.

باری در مواردی که از کتاب و سنت و اجماع، نتوانیم قانونی را بیرون بکشیم، این عقل است که مستقلاً و بدون تکیه کردن به ادله‌ی دیگر، پا به میدان قانون‌گذاری می‌نهد و به وضع و استنباط احکام، مبادرت می‌ورزد که جامعه را از کمبود و خلاء قانونی نجات بخشد.^۲

لذا در این پژوهش سعی شده است با کنکاش در مبانی فقه امامیه و نیز با تکیه بر عقل و اراده حاکمیتی رژیم اشتراک اموال زوجین ترسیم و پیشنهاد شود.

ب) اهمیت و ضرورت موضوع

بدون شک خانواده نهادی مقدس است که هدف از آن فراهم نمودن فضایی امن و آرام برای رشد و تعالی تمام افرادش است. زن و مرد دو عضو مهم در خانواده هستند که دوشادوش هم باید برای تعالی خانواده تلاش نمایند. از نظر اسلام مرد سرپرست خانواده است و مسئول فراهم نمودن شرایط مالی و رفاهی اعضای خانواده، زن نیز در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان مشارکت می‌نماید، اگر چه تکلیف وی مالی نیست ولی از جهت دشواری و حساسیت به همان اندازه بلکه بیشتر حائز اهمیت است.

^۱ - فیض، علیرضا، (۱۳۸۲)، ویژگی‌های اجتهاد و فقه پویا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۶-۱۵.

^۲ - همان.

فعالیت‌های اقتصادی زنان اکثراً در بخش غیررسمی است؛ و اموری از قبیل کارهای خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی را در برمی‌گیرد. معمولاً کار در بخش غیررسمی، اشتغال محسوب نمی‌شود و در آمار نیز محاسبه نمی‌گردد. اما اخیراً متفکران به این نتیجه رسیده‌اند که فقط کار خارج از خانه مصداق اشتغال نیست بلکه کار در منزل هم فعالیت اقتصادی و مصداق اشتغال است، اما کاری پنهان که دستمزد ندارد. به طور تخمینی، کار در خانه یک سوم مجموع تولید سالیانه یک اقتصاد مدرن ارزش دارد و حدود سه چهارم زنان جامعه را خانه‌داران تشکیل می‌دهند.^۱

گرچه در سال‌های اخیر جمعیت زنان شاغل رو به رشد بوده است اما هنوز هم در کشور ایران اکثر زن‌ها، خانه‌دار هستند و مردان تکیه‌گاه مالی خانواده محسوب می‌شوند. از طرفی حقوق و دستمزد زنان شاغل نسبت به مردان شاغل هم طراز خود پایین تر است. همچنین امکان ارتقای زنان به پست‌های بالا و جایگاه‌های مدیریتی به دلیل وجود کلیشه‌های جنسیتی در فرهنگ، عرف و نیز برخی از سخت‌گیری‌های مذهبی، محدود است.

معمولاً نگهداری و تربیت فرزندان و رسیدگی به امور روزمره آن‌ها و نیز رسیدگی به مسایل خانه به عهده زنان است و متأسفانه این اعمال بدون مزد در فرهنگ این مرز و بوم به وظیفه‌ای برای زنان تبدیل شده است حال آنکه از نظر شرع اسلام و نیز قانون مدنی زن تکلیفی ندارد کارهای خانه را انجام دهد حتی شیر دادن به بچه نیز از وظایف حتمی او نیست.^۲

نتیجه این که زنان از اشتغال و تعلیم حرفه‌های درآمدزا، باز می‌مانند و در مقابل وقایعی چون فوت همسرانشان و از کارافتادگی آن‌ها و یا مطلقه شدن، آسیب‌پذیر می‌شوند. لذا با ایجاد رژیم مالی که زوج موظف باشد در صورت طلاق، نیمی از اموال خود را به زوجه منتقل نماید، شرایطی فراهم می‌گردد که زوجه از بنیه مالی برای گذران زندگی تا زمان ازدواج مجدد و یا اشتغال به شغل مناسب، برخوردار شود.

از سوی دیگر بررسی رقم مطلق طلاق طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۱ نشان دهنده افزایش آمار طلاق طی سال‌های مورد بررسی است اما محاسبه شاخص‌های آماری نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۵ شاخص طلاق با افزایش روبه روست سپس طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ به تدریج کاهش می‌یابد و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ این آمار مجدداً افزایش می‌یابد و تا سال ۱۳۹۰ ادامه می‌یابد. این امر، گویای آن است که اگرچه به گفته جمعیت‌شناسان افزایش طلاق با افزایش ازدواج رابطه‌ای مستقیم دارد، ولی به صورت غیر مستقیم نوسانات شاخص‌های طلاق تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و همچنین مسایل حقوقی است.^۳

^۱ - سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، نشر تبیان، ص ۹۵.

^۲ - ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی: «مادر مجبور نیست به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن

نباشد».

^۳ - نگاهی به آمار طلاق در ایران، سعادت‌مند، مهدی، بازبینی در ۹۲/۹/۱۹ www.100maghale.persianblog.ir/post/24

در ۹۰/۱/۲۸.